

تخمین تابع عرضه سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران و آثار سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر متغیرهای کلان اقتصاد ایران (۱۳۴۲-۵۴)

نویسنده: دکتر سیدمحمد رضا سیدنورانی*

چکیده

نظر به اینکه در دوران بازسازی اقتصادی کشور، برای اجرای طرح‌های عمرانی، سرمایه ارزی مورد نیاز است. و برای تأمین ارز راه‌های مختلفی از قبیل استقراض خارجی سرمایه گذاری مشترک و سرمایه گذاری مستقیم خارجی وجود دارد، در این مقاله آثار سرمایه گذاری مستقیم خارجی مورد بررسی قرار گرفته است.

در بخش I پس از آشنایی با مفهوم سرمایه گذاری مستقیم خارجی، علل و عوامل مؤثر بر سرمایه گذاری سرمایه گذاران خارجی بررسی شده و سپس نظریه‌ای مطرح گردیده است که درباره آثار سرمایه گذاری مستقیم خارجی وجود دارد، همچنین مدلی برای عرضه سرمایه گذاری مستقیم خارجی ارائه شده است. در بخش II پس از اشاره مختصر به تاریخچه سرمایه گذاری خارجی در ایران با استفاده از مباحث مطرح شده در بخش I تابع عرضه سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران برای دوره مورد بررسی تخمین زده می شود. در بخش III آثار سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر متغیرهای کلان اقتصادی ایران از قبیل مصرف خصوصی، سرمایه گذاری داخلی، صادرات و واردات مورد ارزیابی قرار گرفته است. در بخش IV نتیجه گیری و پیشنهادها ارائه شده است.

مقدمه

کرد که آثار این گونه سرمایه گذاری‌ها از نظر فرهنگی و سیاسی در تحقیقات مستقل دیگری مورد بررسی قرار گیرد.

I

«سرمایه گذاری مستقیم خارجی» یک شکل از سرمایه گذاری خارجی در دنیا به ویژه در کشورهای در حال توسعه می‌باشد. در این نوع سرمایه گذاری، سرمایه گذار خارجی با حضور فیزیکی در محل سرمایه گذاری (کشور میزبان)، مسؤلیت مالی، کنترل و اداره واحد را مستقیماً در دست دارد. به عنوان مثال در آمریکا (مطابق تعریف وزارت بازرگانی آمریکا) هرگاه یک فرد یا گروهی از اتباع آمریکایی حداقل ۱۰ درصد سهام با حق رأی یک مؤسسه اقتصادی خارجی را داشته باشند مالکیت آنها در آن مؤسسه به عنوان یک سرمایه گذاری مستقیم خارجی آمریکا تلقی می‌شود (3)¹.

سرمایه گذاری مستقیم خارجی را از دو بعد می‌توان بررسی کرد. از طرفی باید انگیزه سرمایه گذار و عوامل مؤثر بر عرضه سرمایه خارجی بررسی شود و از طرف دیگر آثار اقتصادی سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر اقتصاد کشور میزبان را باید مورد توجه قرار داد. کوشش ما بر این است که در این بخش به طور مختصر، علل و آثار

کشورهای در حال توسعه، برای اجرای طرح‌های عمرانی، معمولاً با کمبود سرمایه داخلی و خارجی روبه‌رو هستند و یکی از راه‌های تأمین مالی خارجی برای این کشورها، سرمایه گذاری مستقیم خارجی است. در ایران، به ویژه در دوران جنگ تحمیلی، به برخی صنایع کشور خسارت بسیاری وارد آمد و با توجه به رشد جمعیت در کشور، می‌بایست تولیدات افزایش یابد و این امر مستلزم سرمایه گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی است. بخشی از وجوه لازم برای سرمایه گذاری را می‌توان از راه استقراض خارجی، سرمایه گذاری مشترک و سرمایه گذاری مستقیم خارجی تأمین کرد.

هدف از این تحقیق، بررسی عوامل مؤثر بر عرضه سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران و همچنین بررسی آثار سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر متغیرهای کلان اقتصادی کشور می‌باشد تا بدین وسیله تصمیم‌گیرندگان اقتصادی و سیاسی با آگاهی بیشتری نسبت به استفاده از سرمایه گذاری مستقیم خارجی برای پیشبرد اهداف برنامه‌های اقتصادی کشور اقدام نمایند.

شایان ذکر است که از سرمایه گذاری مستقیم خارجی به عنوان یک منبع تأمین ارز برای پروژه‌های بالاسری اجتماعی مانند احداث نیروگاه، احداث جاده، احداث بندر و فرودگاه‌ها و پروژه‌های مستقیماً مولد، هنگامی می‌توان استفاده

۱- منابع لاتین با اعداد انگلیسی داخل پرانتز و منابع فارسی با اعداد فارسی داخل پرانتز مشخص شده‌اند که در انتهای مقاله قابل مراجعه است.

سرمایه گذاری مستقیم خارجی را بررسی کنیم.

الف - علل سرمایه گذاری مستقیم خارجی

درباره سرمایه گذاری مستقیم خارجی نظریه های متعددی ارائه شده است که از بین آنها می توان چهار نظریه را به عنوان نظریه های اصلی در نظر گرفت. زیرا بقیه نظریه ها به نحوی بر پایه این چهار نظریه استوار است و برای آشنایی بیشتر در مورد هر یک از چهار نظریه اصلی مختصری توضیح داده می شود:

۱- نظریه بازدهی متفاوت سرمایه

براساس نظریه هکشر و اوهلین در تجارت بین الملل با فرض اینکه دو کشور الف و ب با دو کالای A, B که فرضاً A سرمایه بر و B کاربر است و دو عامل کار (L) و سرمایه (K) باشند و هزینه حمل و نقل در تجارت بین دو کشور وجود نداشته باشد و بازار کالا و عوامل تولید به صورت رقابت کامل فرض شود و تحرک کالا بین دو کشور وجود ندارد و تمام توابع تولید به صورت خطی و همگن باشند و الگوی مصرف دو کشور مشابه باشد به دو جهت: یکی قیمت عوامل تولید و دیگری مقدار عوامل تولید. عامل تولید سرمایه K در یک کشور مثلاً «الف» و عامل تولید کار L در کشور دیگر مثلاً «ب» فراوان تر است و این امر باعث می شود هزینه تولید کالای A و B در دو کشور «الف» و «ب» با یکدیگر فرق داشته باشد و کشور «الف» تولید کننده کالای A و کشور «ب» تولید کننده کالای B گردد و تجارت بین دو کشور انجام پذیرد و هر دو

کشور سود ببرند. حال اگر فرض کنید عوامل تولید بین دو کشور تحرک داشته باشند در این صورت ممکن است علاوه بر انتقال کالای A از کشور «الف» به کشور «ب» چون قیمت سرمایه در کشور «الف» به دلیل فراوانی سرمایه، ارزان تر از کشور «ب» است؛ سرمایه از کشور «الف» به کشور «ب» منتقل می شود و کالای A در همان کشور «ب» تولید می شود، به جای آنکه از کشور «الف» وارد گردد در نتیجه براساس این نظریه سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای مختلف جهان به دلیل وجود نرخ بازدهی سرمایه مناسب، نسبت به سایر کشورها انجام می پذیرد و انگیزه اصلی سرمایه گذار برای سرمایه گذاری که حداکثر نمودن سود می باشد با توجه به نرخ بازدهی سرمایه بالاتر در هر نقطه امن در جهان تحقق می یابد. نظریه نرخ بازدهی متفاوت سرمایه تا اواخر دهه ۱۹۵۰ از اهمیت قابل توجهی برخوردار بود و اهمیت این نظریه از دهه ۱۹۶۰ تدریجاً کاهش یافت (۱).

۲- نظریه تنوع در مجموع دارایی ها

ممکن است سرمایه گذاری خارجی در برخی مناطق انجام شود که نرخ بازدهی سرمایه بالایی در مقایسه با مناطق دیگر ندارند اما سرمایه گذار به طور همزمان دو عامل نرخ بازدهی سرمایه مورد انتظار و ریسک را در نظر می گیرد به عبارت دیگر سرمایه گذار در نقاط مختلف جهان ریسک کلی خود را کاهش می دهد. اگر در کشوری به طور همزمان جریان ورود و خروج سرمایه وجود داشته

باشد این نظریه قادر به تبیین آن می‌باشد لکن در نظریه نرخ بازدهی متفاوت سرمایه این امکان وجود نداشت.

۳- نظریه سازمان صنعتی

هایمر^۲ محرک برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را وجود انحصار می‌داند (4) و اختلاف بین قیمت عوامل تولید را مؤثر نمی‌داند. به عبارت دیگر سرمایه‌گذار با بهره‌گیری از قدرت انحصاری با تکنولوژی بالا و با استفاده از نام‌های معروف در مناطق دیگر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی انجام می‌دهد. نظریه سازمان صنعتی توسط گراهام و کراگمان (۱۹۸۹) برای بیان رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایالات متحده آمریکا به کار رفته است. زیرا که بیست سال پیش بنگاه‌های آمریکایی بر مبنای تکنولوژی و مهارت‌های مدیریت، نسبت به بنگاه‌های کشور دیگر مزایای مهمی داشتند، بنگاه‌های آمریکایی در تولید خارجی برتر از رقبای خود بودند در نتیجه در ایالات متحده آمریکا سرمایه‌گذاری خارجی زیادی وجود نداشت. پس از آن برتری تکنولوژی و مدیریتی آمریکا تنزل پیدا کرده است و بنگاه‌های خارجی در بازار آمریکا توانستند با بنگاه‌های آمریکایی رقابت کنند بر این مبنای نظریه سازمان صنعتی برای توجیه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مطرح شد (۲).

۴- نظریه چرخه تولید

ورنون^۳ سرمایه‌گذاری خارجی را نتیجه چرخه (سیکل) تولید می‌داند (5). براساس این نظریه حتی اگر دانش فنی بین کشورها یکسان باشد میزان به‌کارگیری آن و استفاده از دانش فنی برای تولید کالاها در تمام کشورها یکسان نیست. زیرا نوآوران در این زمینه مؤثر می‌باشند و تولید اولیه در کشور نوآور و ابداع‌کننده انجام می‌شود. آنگاه بعد از عرضه محصول در بازار داخلی کشور نوآور، کم‌کم تولید محصول جدید، افزایش یافته و به کشورهای دیگر صادر می‌گردد و به مرور زمان با افزایش صادرات در برخی کشورها تولید این محصول نسبت به صادرات آن، برای تولیدکننده مقرون به صرفه‌تر است، زیرا هزینه‌های توزیع کمتر می‌شود و تولیدکنندگان رقیب ظاهر می‌شوند. رقبا به دلیل هزینه‌های پایین‌تر توزیع می‌توانند محصول را ارزان‌تر از نوآور اولیه تولید کنند و در این مرحله نوآور ناگزیر می‌شود امکان تأسیس یک واحد تولیدی در مکان خارجی را بررسی نماید و در صورتی که شرایط مساعد باشد نوآور، به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اقدام خواهد کرد. این نظریه در مورد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی توسط شرکت‌های کوچک در کشورهای در حال توسعه از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد.

پس از آشنایی مختصر با نظریات اصلی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که هر یک عامل

$$L = C_d Q_d + C_f Q_f + \lambda (\bar{D} - Q_d - Q_f) \quad (3)$$

از تابع (۳) نسبت به Q_d و Q_f و λ مشتق می گیریم:

$$\delta L / \delta Q_d = C'_d Q_d + C_d - \lambda = 0 \quad (4)$$

$$\delta L / \delta Q_f = C'_f Q_f + C_f - \lambda = 0 \quad (5)$$

$$\delta L / \delta \lambda = (\bar{D} - Q_d - Q_f) \quad (6)$$

که $C'_d = \frac{dC_d}{dQ_d}$ و $C'_f = \frac{dC_f}{dQ_f}$ در روابط (۴) و (۵) است.

روابط ۴ و ۵ را می توان به صورت زیر نوشت:

$$C'_d Q_d + C_d = C'_f Q_f + C_f \quad (7)$$

این رابطه شرط برابری هزینه نهایی تولید در داخل و خارج می باشد. رابطه (۷) را با استفاده از رابطه (۶) برای Q_f حل می نمایم تا سطح تعادلی در خارج برای مؤسسه معین شود.

$$Q_f = \gamma_1 \bar{D} + \gamma_2 (C_d - C_f) \quad (8)$$

که $\gamma_1 = \frac{C'_d}{(C'_d + C'_f)}$ و $\gamma_2 = \frac{1}{(C'_d + C'_f)}$ هر دو مثبت

فرض شده اند.

به عبارت دیگر محصول تولید شده در خارج رابطه مثبت با تقاضای کل و رابطه ای منفی با هزینه های نهایی در کشور میزبان دارد. از طرف دیگر اگر فرض کنیم عوامل تولید در خارج جانشین یکدیگر باشند و تابع تولید در خارج به صورت

مؤثری را برای عرضه سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشور میزبان مطرح می نماید؛ مشخص نمودن تابعی برای عرضه سرمایه گذاری مستقیم خارجی می تواند برای کشورهایایی که می خواهند از این روش برای افزایش تولیدات و رشد اقتصادی استفاده نمایند مفید واقع شود.

مدل سرمایه گذاری مستقیم خارجی

با تأکید بر نقش تقاضا و هزینه ها هنگامی که سرمایه گذار خارجی در مورد تخصیص سرمایه و تولیدات تصمیم می گیرد، مدلی مطرح می شود و فرض بر این است که تولید کننده چند ملیتی با توجه به تابع هزینه مؤسسه در مورد انتخاب سطح تولید در کشور خارجی تصمیم می گیرد. اگر تابع هزینه مؤسسه از دو جزء تشکیل شده باشد می توان نوشت:

$$TC = C_d Q_d + C_f Q_f \quad (1)$$

که TC هزینه کل مؤسسه، C_d هزینه هر واحد تولیدات در داخل، C_f هزینه هر واحد تولیدات خارج، Q_d سطح تولید در داخل و Q_f سطح تولید در خارج است.

رابطه (۱) با قید اینکه مجموع تولیدات در داخل و خارج برابر تقاضای کل \bar{D} است باید حداقل شود و این قید را می توان چنین در نظر گرفت:

$$\bar{D} = Q_d + Q_f \quad (2)$$

با استفاده از روش لاگرانژ می توان نوشت:

$$K_f = [(\beta/\alpha)(W_f / q_f)]^{\alpha/(\alpha+\beta)} Q_f^{1/(\alpha+\beta)} \quad (16)$$

با قراردادن Q_f از (۸) در رابطه (۱۶) موجودی سرمایه در خارج برای بنگاه معلوم می‌شود.

$$K_f = [(\beta/\alpha)(W_f / q_f)]^{\alpha/(\alpha+\beta)} [(\gamma_1 \bar{D} + \gamma_2 (C_d - C_f))]^{1/(\alpha+\beta)} \quad (17)$$

با توجه به رابطه (۱۷) ملاحظه می‌شود که موجودی سرمایه مطلوب در خارج K یا (K_f) با تقاضای کل رابطه‌ای مثبت دارد که نمایانگر سودآوری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است و K_f با هزینه‌های نهایی تولید در کشور میزبان (C_f) رابطه‌ای منفی دارد. البته اگر فرض جانشینی بین داده‌ها در نظر گرفته شود، افزایش دستمزدها در کشور میزبان منجر به افزایش موجودی سرمایه K_f می‌شود.

پس به‌طور کلی می‌توان تابع موجودی سرمایه مطلوب خارجی در کشور میزبان را به‌صورت زیر نوشت:

$$K^* = \Phi [AD, R, U, C] \quad (18)$$

که K^* با سطح تقاضای کل AD رابطه‌ای مثبت و K^* با هزینه‌های واحد (هزینه واحد سرمایه و هزینه واحد برای کار) R, U, C رابطه‌ای منفی دارد مگر اینکه جانشین قوی بین سرمایه و کار وجود داشته باشد.^۴

تابع تولید کاپ داگلاس فرض شود، تولید کننده هزینه در خارج را با قید تابع تولید در خارج حداقل می‌نماید، یعنی:

$$C_f = W_f L_f + q_f K_f \quad (9)$$

که در آن W نرخ دستمزد حقیقی و q نرخ هزینه سرمایه حقیقی می‌باشد و تابع تولید به‌صورت زیر است:

$$Q_f = L_f^\alpha K_f^\beta \quad (10)$$

با استفاده از تابع لاگرانژ می‌توان نوشت:

$$L = W_f L_f + q_f K_f + \lambda (Q_f - L_f^\alpha K_f^\beta) \quad (11)$$

از رابطه (۱۱) نسبت به L_f ، K_f و λ مشتق می‌گیریم تا شرایط اولیه حداقل کردن هزینه تولید در خارج C_f به دست آید.

$$\delta L / \delta L_f = W_f - \lambda \alpha (Q_f / L_f) = 0 \quad (12)$$

$$\delta L / \delta K_f = q_f - \lambda \beta (Q_f / K_f) = 0 \quad (13)$$

$$\delta L / \delta \lambda = Q_f - L_f^\alpha K_f^\beta = 0 \quad (14)$$

از رابطه (۱۲) و (۱۳) رابطه زیر به دست می‌آید:

$$(W_f L_f) / (\alpha Q_f) = (q_f K_f) / (\beta Q_f) \quad (15)$$

L_f را از رابطه (۱۴) در رابطه (۱۵) قرار داده و آن را برای K_f حل می‌نماییم:

۴- اگر در فرایند حداقل کردن هزینه تولید در خارج C_f متغیر T را به‌عنوان محدودیت تجاری در کشور میزبان در نظر بگیریم رابطه (۱۸) به‌صورت $K^* = \Phi [AD, R, U, C, T]$ و محدودیت‌های تجاری از قبیل مالیات بر واردات در کشور میزبان رابطه‌ای مثبت با جبران سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی خواهد داشت.

از رابطه (۲۲) در کارهای تجربی می توان استفاده کرد. باژو و سیمون^۵ در مورد اسپانیا تابع عرضه سرمایه گذاری مستقیم خارجی را با استفاده از رابطه ای شبیه رابطه (۲۲) تخمین زده اند (۱).

پس از آشنایی با علل سرمایه گذاری مستقیم خارجی و معرفی تابعی برای عرضه آن که برای کارهای تجربی نیز قابل استفاده است، به بررسی آثار سرمایه گذاری مستقیم خارجی می پردازیم.

ب - آثار سرمایه گذاری مستقیم خارجی

تولید کشور میزبان با انجام سرمایه گذاری مستقیم خارجی افزایش می یابد و همچنین مصرف خصوصی و سرمایه گذاری داخلی نیز در کشور میزبان افزایش یافته و موازنه پرداخت ها بهبود می یابد. این موارد را مک دوگال^۶ مطرح نموده است و مطالعاتی نیز در این زمینه انجام شده است (۴). هریک از موارد مذکور را مختصراً توضیح می دهیم:

۱- اثر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر تولید کشور میزبان

فرض کنید از کشور X مؤسسات سرمایه گذار در کشور Z به عنوان کشور میزبان سرمایه گذاری انجام می دهند و دو نوع کالا در کشور Z تولید می شود.

از طرف دیگر سطح سرمایه گذاری مستقیم خارجی در هر دوره به تصمیمات تعدیل موجودی سرمایه مطلوب انباشته شده و موجودی سرمایه مطلوب با تأخیر بستگی دارد و می توان نوشت:

$$FDI = \sum_{i=0}^n A_i (K_{t+i}^* - K_{t+i-1}^*) + \delta K_{t-1} \quad (19)$$

که در آن $\sum_{i=0}^n A_i = 1$ است.

با استفاده از تبدیل Koyck می توان رابطه (۱۹) را به صورت مناسبی برای تخمین نوشت، با فرض اینکه تأخیرات با نرخ هندسی ثابت کاهش یابند، یعنی:

$$A_i = \lambda (1 - \lambda)^i \quad (20)$$

به طوری که:

$$FDI_t = \lambda (K_t^* - K_{t-1}) + \delta K_{t-1}$$

$$FDI_t = \lambda K_t^* - (\delta - \lambda) K_{t-1} \quad (21)$$

بنابراین سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) تابعی از K_t است که در رابطه (۱۸) نشان داده شده و موجودی سرمایه خارجی در دوره قبل K_{t-1} می باشد. با استفاده از رابطه (۲۱) می توان رابطه (۱۸) را دوباره نوشت:

$$K_t^* = \Phi \left[AD_+, R U_{\pm}, K_{t-1} \right] \quad (22)$$

نهایی تولید سرمایه است. قیمت داخلی کالای سرمایه‌ای ابتدا در OC_1 می‌باشد سهم سرمایه از تولید $OC_1 E_1 K_1$ و سهم کار از تولید $C_1 A_1 E_1$ است و گروه B در بازار عوامل گیرنده قیمت^۷ است و در بازار داخلی محصول جهت دهنده قیمت^۸ می‌باشد. افزایش تقاضا برای کالای مصرفی با هر عرضه داده شده، قیمت کالای مصرفی را افزایش می‌دهد و درآمد نهایی تولید سرمایه برای گروه A افزایش می‌یابد یعنی از A_1 به A_2 منتقل می‌شود.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی قیمت کالای سرمایه‌ای را افزایش می‌دهد و این افزایش با فرض قیمت نیروی کار معین باعث می‌شود که قیمت سرمایه به طور نسبی بالاتر از کارگردد و در نتیجه به جانشینی کار برای سرمایه بینجامد. این اثر همچنین تولید نهایی سرمایه را افزایش می‌دهد چون عامل کار بیشتر در تولید دخالت دارد. اثرات بیرونی اقتصادی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در نتیجه مقدمه «چطور دانستن»^۹ از مؤسسات خارجی باعث افزایش بهره‌وری سرمایه و کار می‌گردد. زمانی این امر اتفاق می‌افتد که به عنوان مثال مؤسسات خارجی کارگران را آموزش دهند و بعداً این کارگران آموزش دیده در مؤسسات داخلی مشغول به کار شوند. به علاوه ممکن است مؤسسات خارجی یک محصول جدید را تولید کنند که به ایجاد تقاضا برای محصول تولید کنندگان داخلی در گروه B منجر شود.

کالای سرمایه‌ای (A) و کالای مصرفی (B) یعنی گروه تولید کنندگان A و گروه تولید کنندگان B در کشور میزبان وجود دارد. بنابراین اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را بر هر گروه، به طور مستقل بررسی می‌کنیم.

۱-۱ اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر تولید کالای سرمایه‌ای (A)

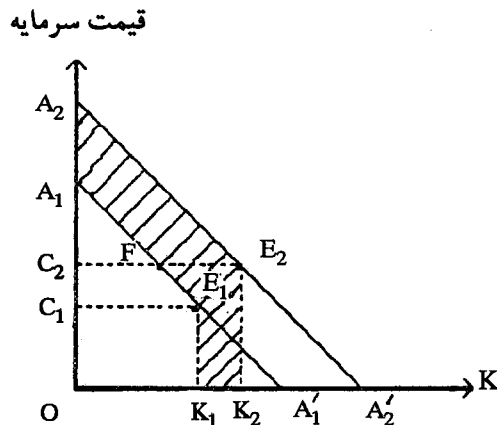
اگر مؤسسات از کشور X در کشور Z سرمایه‌گذاری نمایند، در نتیجه مخارج سرمایه‌گذاری برای کالای سرمایه‌ای در بازار کشور Z افزایش می‌یابد و انتظار سود بیشتر را برای تولید کنندگان و وارد کنندگان کالای سرمایه‌ای به همراه خواهد داشت و در نتیجه تولید اینگونه کالاهای سرمایه‌ای (A) افزایش خواهد یافت و این افزایش عرضه کالای سرمایه‌ای بخشی از روند افزایش قیمت‌ها را برای این نوع کالاها جبران می‌نماید و در نهایت سرمایه‌گذاران با به کارگیری بیشتر کالاهای سرمایه‌ای و نیروی انسانی سطح تولید کشور Z را بالا خواهند برد.

۱-۲ اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر تولید کالای مصرفی (B)

فرض کنید گروه B (تولید کنندگان کالای مصرفی) از نظر موجودی سرمایه محدودیت داشته باشند و درآمد نهایی تولید سرمایه را برابر با قیمت کالای سرمایه‌ای می‌نمایند. موقعیت اولیه گروه B در شکل (۱) در E است که A_1 A_1 منحنی درآمد

$OA_2 E_2 K_2$ - کل تولید اسمی
 $OC_2 E_2 K_2$ - سهم سرمایه در تولید
 $C_2 A_2 E_2$ - سهم کار در تولید

شکل (۱)



ترکیب کالای سرمایه‌ای تولید شده داخلی و خارجی و با نیروی کار داخلی مصرفی را تولید می‌نمایند. فرض کنید سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر مصرف گروه A و در نتیجه بر گروه B اثر می‌گذارد. تخصیص درآمد دوره t (y_t) را می‌توان با منحنی‌های بی تفاوتی و خط بودجه رسم کرد. شکل ۲ را ملاحظه کنید؛ شیب منحنی بی تفاوتی منعکس کننده ترجیحات زمانی گروه A (تولید کنندگان کالای سرمایه‌ای) و موقعیت شیب خط بودجه است که با مقدار درآمد به دست آمده در هر دوره، قیمت نسبی معین می‌شود. در دوره t با درآمد y_t میزان مصرف C_t می‌باشد و درآمد باقیمانده از دوره t در دوره $t + 1$ مصرف می‌شود و مصرف دوره بعد C_{t+1} است. مصرف کل دوره t یعنی C_t ممکن است بزرگتر یا مساوی y_t باشد که به مقدار پس‌انداز دوره قبل S_{t-1} بستگی دارد

با این مباحث نتیجه می‌گیریم با سرمایه گذاری مستقیم خارجی درآمد نهایی تولید سرمایه از $A_1 A_1$ به سمت راست یعنی به $A_2 A_2$ منتقل می‌شود و تعادل از E_1 به تعادل جدید در E_2 می‌رسد و قیمت سرمایه از OC_1 به OC_2 افزایش می‌یابد با ملاحظه شکل (۱) مشخص می‌شود که:

$OA_2 E_2 K_2$ کل تولید اسمی، $OC_2 E_2 K_2$ سهم سرمایه و $C_2 A_2 E_2$ سهم کار می‌باشد و سودخالص برای گروه B معادل $K_1 E_1 A_1 A_2$ (ناحیه هاشور خورده) است. همچنین تأثیر مهم افزایش میزان مخارج سرمایه گذاری گروه B از OK_1 به OK_2 است.

۲- اثر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر مصرف خصوصی کشور میزبان
 گروه B که تولید کننده کالای مصرفی هستند با

به طوری که:

اگر $S_{t-1} > 0$ باشد در نتیجه $C_t > \gamma$ است.

اگر $S_{t-1} = 0$ باشد در نتیجه $C_t = \gamma$ است.

EG - درآمد گروه A

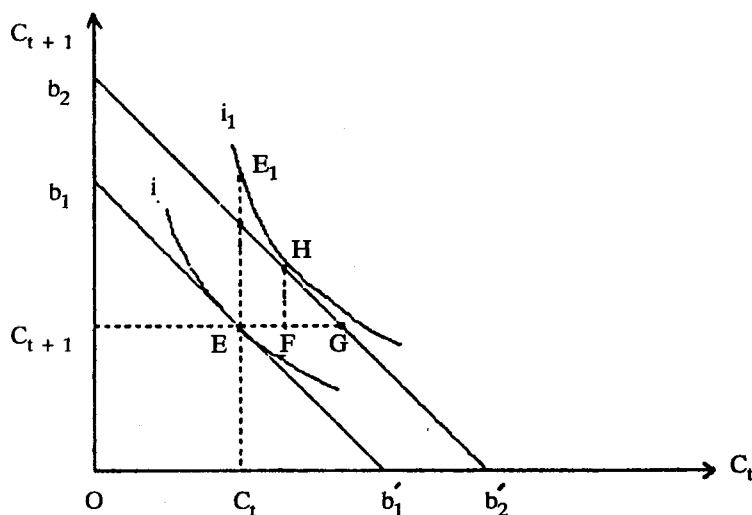
EF - افزایش در مصرف جاری C_t

FG - افزایش در پس انداز

FH - افزایش مصرف آینده C_{t+1}

جدید مستقیماً بالای E یعنی E_1 می باشد که احتمال آن ضعیف است. اما یکی از انتظارات محتمل، قرار گرفتن نقطه تعادل جدید در بالا و سمت راست نقطه E، یعنی نقطه ای مانند H می باشد که هم مصرف جاری C_t و هم مصرف آینده C_{t+1} بیشتر می شوند. بنابراین سرمایه گذاری مستقیم خارجی منجر به افزایش مصرف جاری به اندازه EF و افزایش در پس انداز به اندازه FG می شود که

شکل ۲



نهایتاً منجر به انجام سرمایه گذاری های مکمل توسط گروه B (تولید کنندگان کالای مصرفی کشور میزبان) می شود و مصرف آینده C_{t+1} به اندازه FH افزایش می یابد.

۳- اثر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر موازنه پرداخت های کشور میزبان
فروض زیر را در نظر بگیرید:

چون امکان استقراض برای مصرف فرضاً وجود ندارد. زیرا اعتبارات کم است در نتیجه شرط $S_{t-1} > 0$ حذف شده است. در شکل (۲) تعادل اولیه در E است. فرض کنید به دلیل سرمایه گذاری مستقیم خارجی کل درآمد گروه A در دوره t به اندازه EG افزایش می یابد و خط بودجه از b_1 به b_2 منتقل می شود. اگر مصرف جاری C_t ثابت بماند، نقطه تعادلی

شرکت‌های خارجی مالیات وضع شود، سرمایه گذاری مستقیم خارجی یک منبع درآمدی برای دولت کشور میزبان ایجاد خواهد کرد. در این میان خدمات اجتماعی یا اقتصادی نیز بهبود می یابد.

II

سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران

در این بخش پس از مروری کلی و اشاره به تاریخچه سرمایه گذاری خارجی در ایران تابع عرضه سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران در دوره ۵۴-۱۳۴۲ با استفاده از مطالب مطرح شده در بخش I تخمین زده می شود سپس در بخش III آثار اقتصادی سرمایه گذاری مستقیم خارجی در همان دوره بررسی می شود.

سرمایه گذاری خارجی در ایران تا قبل از سال ۱۳۱۰ معمولاً به صورت قراردادهای کلی و بلندمدت با اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی بوده است. سال ۱۳۱۰ با تصویب قانون ثبت شرکت‌ها برخی شرکت‌های خارجی به عنوان یک شرکت ایرانی ثبت شده و شروع به فعالیت کردند، راجع به این موضوع آمار دقیقی وجود ندارد اما از سال ۱۳۳۴ با تصویب قانون جلب حمایت سرمایه‌های خارجی، در رشته‌های مختلف سرمایه گذاری‌هایی انجام گرفت مجموع سرمایه گذاری خارجی حمایت شده از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۴ معادل ۲۳۷/۳ میلیون دلار بوده است (۳) در همین دوره سرمایه گذاری مستقیم خارجی معادل ۱۲۲۱۹/۶

اول) موازنه پرداخت‌ها را می توان به طور یکنواخت، همان طوری که ضرورت دارد تعدیل نمود به طوری که خدمات بین‌المللی را بدون هزینه اقتصادی و اجتماعی ثابت نگه داشت و سایر موارد را با نرخ‌های ارز گوناگون یا در سطح هزینه کشور میزبان نسبت به سطح هزینه خارج (در کشور مبدأ) با نرخ ثابت مد نظر قرار داد.

دوم) منبع تجارت افزایش نمی یابد و با ارتباطات صحیح بین‌المللی کسری و مازاد، به ترتیب کاهش می یابند.

سوم) بهبود در موازنه پرداخت‌ها در وضعیت بدتر با تجارت رابطه معکوس دارد.

با توجه به فروض فوق، سودهای به دست آمده توسط تولیدکنندگان خارجی کمتر به خارج (کشور مادر) منتقل می شود و در نتیجه در حساب‌های تراز پرداخت‌ها مازاد ایجاد می شود. یعنی صادرات افزایش و واردات کاهش می یابد. با افزایش در تولید و درآمد ممکن است در الگوی عرضه و تقاضای کالاهای مختلف تغییرات حاصل شود. سرمایه گذاری مستقیم خارجی با ایجاد مازاد در موازنه پرداخت‌ها بر نرخ ارز اثر می گذارد زیرا با سرمایه گذاری مستقیم خارجی در صنایع کارخانه‌ای تولید کالای داخلی افزایش می یابد و تقاضای کالای وارداتی را کاهش می دهد و در نتیجه نرخ ارز کاهش می یابد.

همچنین ممکن است مؤسسات خارجی، کالاهای قابل صادرات را تولید نمایند که به افزایش درآمد ارزی کشور میزبان و بهبود در موازنه پرداخت‌های آن کشور می انجامد و اگر برای سود

دوره سوم، از سال ۱۳۳۴ تا ۱۳۵۷، با تصویب قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی علاوه بر قانون ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰، سرمایه‌گذاران خارجی با حمایت دولت اقدام به سرمایه‌گذاری نمودند. به عبارت دیگر در این دوره برخی سرمایه‌گذاری‌های خارجی انجام شده است که تابع قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی نبوده و فقط ممکن است در ثبت شرکت‌ها ثبت شده باشد.

دوره چهارم، از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۷۲، که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران متوقف شده بود.

دوره پنجم، از سال ۱۳۷۲ به بعد، که با تصویب قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی و تنفیذ قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی، دوباره زمینه برای سرمایه‌گذاری خارجی در کشور به وجود آمده است (۴).

تخمین تابع عرضه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایران (۵۴-۱۳۴۲)

در بخش قبلی در بحث عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) مدلی برای عرضه FDI در کشور میزبان مطرح شد که رابطه (۲۲) نتیجه نهایی آن بود.

$$FDI = K_t^* = \Phi [AD, RUC, K_{t-1}] \quad (22)$$

نظر به اینکه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جدید از آغاز انقلاب اسلامی متوقف شده است و اخیراً از سال ۱۳۷۲ با تصویب قوانین و مقررات جدید، پیشنهادهایی برای قبول سرمایه‌گذاری از

میلیون دلار (۱۲/۲ میلیارد دلار) می‌باشد (۲). یعنی حدود ۱۵ درصد از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به صورت حمایت شده، بوده است و متأسفانه از ریز آمار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش‌های مختلف اقتصادی، آگاهی نیست و فقط آمار به صورت سالانه وجود دارد که در بخش III از آن استفاده خواهد شد.

سرمایه‌گذاری‌های خارجی تا سال ۱۳۵۷ ادامه داشت و از این سال با انقلاب شکوهمند اسلامی، سرمایه‌گذاری خارجی در ایران متوقف شد و دوباره پس از جنگ تحمیلی و شروع دوران بازسازی اقتصادی قانون و مقرراتی جدید برای جذب سرمایه‌های خارجی علاوه بر قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی در کشور تصویب شد و از سال ۱۳۷۲ مجدداً تقاضا برای سرمایه‌گذاری خارجی در کشور مطرح شده است. بنابراین می‌توان پنج دوره را برای سرمایه‌گذاری خارجی در ایران در نظر گرفت:

دوره اول، قبل از ۱۳۱۰، که معمولاً سرمایه‌گذاری خارجی به شکل انعقاد قراردادهای استعماری وجود داشت و آمار کلی و کاملی در این زمینه وجود ندارد، مگر در مورد برخی از سرمایه‌گذاری‌ها که قابل استفاده در بررسی دقیق نمی‌باشد.

دوره دوم، از سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۳۴، که سرمایه‌گذاران خارجی در شکل شرکت‌هایی با ماهیت ایرانی شروع به فعالیت کردند ولی اینگونه سرمایه‌گذاری‌های خارجی از حمایت دولت بی‌بهره بودند.

طرف سرمایه گذاران خارجی مطرح شده است که در حال حاضر در دست بررسی هستند و آماری از آن منتشر نشده است؛ لذا دوره مورد بررسی قطعاً به قبل از انقلاب اسلامی محدود می شود و با بررسی هایی که در اطلاعات و آمار منتشر شده در مورد سرمایه گذاری مستقیم خارجی به عمل آمد فقط آمار از سال ۵۴-۱۳۴۲ به دست آمد^{۱۰}، بنابراین با استفاده از داده های حقیقی بر مبنای سال ۱۳۵۳ تابع عرضه سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران تخمین زده شد و در این رابطه فروض زیر استفاده شد:

فرض اول - AD تقاضای کل کشور میزبان می باشد که تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۵۳ (GDP) را با فرض تعادل در اقتصاد برابر AD در نظر گرفتیم.

فرض دوم - RUC شامل قیمت واحد سرمایه و قیمت واحد کار می باشد که به جای قیمت کار شاخص دستمزد در ایران و بهره حقیقی را به عنوان تقریبی از نرخ بازدهی سرمایه در نظر گرفتیم.

فرض سوم - K_{t-1} موجودی سرمایه خارجی دوره قبل در کشور میزبان می باشد. ولی به دلیل عدم دسترسی به آمار در این زمینه، موجودی

سرمایه ای که به صورت سرمایه گذاری مستقیم در دوره قبل (۱-) FDI در کشور میزبان وجود دارد به عنوان تقریبی از موجودی سرمایه به صورت خارجی دوره قبل در نظر گرفته شد همان طور که بازو در تحقیق خود در اسپانیا چنین فرضی را داشته است. فرض چهارم - برای بررسی اثر ناپایداری اقتصادی کشور میزبان بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران، نرخ تورم (inf) را به عنوان عامل معرف ناپایداری کشور میزبان در نظر می گیریم.

فرض پنجم - نرخ ارزش حقیقی (E) را به عنوان یک متغیر توضیحی در تابع عرضه سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشور میزبان در نظر می گیریم که کاهش نرخ ارزش حقیقی منجر به افزایش جریان FDI می شود.

با توجه به فروض و داده های حقیقی دوره ۵-۱۳۴۲ تابع عرضه سرمایه گذاری مستقیم خارجی به صورت زیر می باشد^{۱۱}:

$$LFDI = ۵۶/۸ + ۴/۳۶۸LW - ۱۳/۰۳LE \quad (۲۳) \quad (۵/۸۸) \quad (-۶/۰۵) \quad (۶/۴۹)$$

$$-۱/۰۵LFDI(-1) - ۰/۲۹VLin f + ۱/۴۸D۴۸ \quad (۳/۷) \quad (-۲/۲۳) \quad (-۴/۱)$$

$$R^2 = ۰/۹۵ \quad \bar{R}^2 = ۰/۹۱۸ \quad DW = ۱/۶۴۹ \quad F = ۲۵/۷۸$$

۱۰- آمار منتشر شده در مورد سرمایه گذاری مستقیم خارجی در گزارش های اقتصادی بانک مرکزی با آمار منتشر شده در Year Book سال ۱۹۹۳ IMF که مأخذ آن گزارش های نفت می باشد، مغایرت داشت و به جهت پیوستگی آمار در دوره ۵۴-۱۳۴۲ از آمار IMF استفاده شد.

۱۱- چون وجود متغیر GDP و W به عنوان متغیر توضیحی و در تابع عرضه FDI به طور همزمان جواب ها را بی معنی می کرد تابع دیگری که برای عرضه سرمایه گذاری مستقیم خارجی تخمین زده شده است به صورت زیر می باشد:

$$LFDI = ۱۹/۸۳ + ۱/۶۸ LGDP - ۵/۴۹ LE + ۰/۴۶D۴۸ \quad (۱/۵) \quad (۵/۶۳) \quad (-۱/۹) \quad (+۲/۵۸)$$

$$R^2 = ۰/۷۸۶ \quad \bar{R}^2 = ۰/۷۱۶ \quad DW = ۲/۰۵ \quad F = ۱۱/۰۸$$

یعنی با یک درصد افزایش در GDP معادل ۱/۶۸ درصد عرضه سرمایه گذاری مستقیم خارجی افزایش یافته است و یک درصد کاهش در نرخ ارز باعث ۵/۴۹ درصد افزایش در عرضه سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران شده است و متغیر مجازی سال ۴۸ که ابتدای برنامه چهارم عمرانی کشور بوده است و اطلاعات و آمار اقتصادی کشور منتشر شده است، در تصمیم گیری سرمایه گذاری خارجی اثری مثبت داشته است.

۱۲- آزمون h نیز برای این مدل انجام شده است و به احتمال ۹۹٪ خود همبستگی وجود نداشته است.

که در آن:

LFDI لگاریتم حجم سرمایه گذاری مستقیم خارجی (عرضه سرمایه گذاری مستقیم خارجی)؛
LW لگاریتم شاخص دستمزد در ایران؛ LE/ لگاریتم نرخ ارز دلار در برابر ریال؛
(-1) LFDI لگاریتم سرمایه گذاری مستقیم خارجی با تأخیر در ایران؛ و Linf لگاریتم نرخ تورم در ایران می باشد.

همان طور که ملاحظه می شود:

- عرضه سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) در ایران رابطه ای مثبت با شاخص دستمزد (W) در ایران دارد، یعنی با یک درصد افزایش در شاخص دستمزد ایران معادل ۴/۳ درصد سرمایه گذاری مستقیم خارجی افزایش می یابد. به عبارت دیگر با افزایش شاخص دستمزد در ایران، تولید کنندگان داخلی انگیزه افزایش استفاده از سرمایه را خواهند داشت و اگر بازار عرضه کالای سرمایه ای در ایران محدود فرض شود و حرکت سرمایه از خارج به داخل با توجه به مسائل سیاسی، ارزی و غیره مجاز باشد، نیاز سرمایه گذاران به سرمایه بیشتر می شود که این امر به افزایش قیمت سرمایه می انجامد. در چنین شرایطی اگر تسهیلاتی برای سرمایه گذار خارجی فراهم کنیم، تمایل سرمایه گذاران خارجی به آوردن سرمایه در کشور میزبان (ایران) بیشتر می شود و در نتیجه با بالا رفتن قیمت نسبی سرمایه

در داخل کشور، حرکتی برای ورود سرمایه از خارج به داخل خواهیم داشت. همچنین سودآوری سرمایه خارجی به بهره وری سرمایه بستگی دارد که خود تابعی از کیفیت و کمیت نیروی کار است و چنانچه بالا رفتن سطح دستمزدها انگیزه ای برای بهبود کیفیت و کمیت و کمک نیروی کار گردد، به تبع آن سرمایه گذاری مستقیم خارجی افزایش خواهد یافت.

- عرضه سرمایه گذاری مستقیم خارجی به ایران با نرخ ارز (E) رابطه ای منفی دارد به طوری که با یک درصد کاهش در نرخ ارز معادل ۱۳/۰۳ درصد افزایش در عرضه سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران وجود دارد. یعنی هرچه نرخ ارز کاهش یابد، پول داخلی تضعیف می گردد و سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران بیشتر انجام خواهد شد زیرا هر یک دلار وارد شده به ایران، نسبت به قبل از کاهش نرخ ارز دارای قدرت خرید بیشتری می شود مشروط بر آنکه افزایش قیمت عوامل تولید در داخل ایران به میزانی نباشد که قدرت خرید دلار را ثابت یا کمتر از کاهش نرخ ارز نماید. در نتیجه، سرمایه گذار خارجی با سرمایه ثابت، مقدار بیشتری کالای سرمایه ای می تواند در ایران تهیه کند و انگیزه برای عرضه بیشتر سرمایه خارجی در ایران تقویت می شود، پس نظریه کیوز مبنی بر وجود رابطه معکوس بین نرخ ارز و سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران مصداق دارد.^{۱۳}

13- Nafari, A, U.S. *Multinational Corporation in Mexician Manufacturing: A study of development and Balance of payment/Impact*, Indiana University 1979. P.5

سرمایه گذاری داخلی و موازنه پرداخت‌های کشور میزبان مطرح شد، با استفاده از داده‌های حقیقی سال‌های ۵۴-۱۳۴۲ آثار سرمایه گذاری مستقیم خارجی را بر متغیرهای کلان اقتصادی مانند مصرف، سرمایه گذاری داخلی، صادرات و واردات ایران بررسی نمودیم و نتایج زیر به دست آمد:

۱- اثر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر مصرف خصوصی ایران (CP)

در بخش اول نشان داده شد که سرمایه گذاری مستقیم خارجی اثری مثبت بر مصرف خصوصی کشور میزبان دارد. تابع تخمین زده شده با استفاده از داده‌های سال‌های ۵۴-۱۳۴۲ در مورد مصرف خصوصی به صورت زیر است:

$$CP = -\frac{23}{55} + 0.077GDP + 0.88CP(-1) - \frac{0}{76} + \frac{2}{2} + \frac{7}{17} + 0.0028 FDI(-1) \quad (24)$$

$$R^2 = 0.994 \quad \bar{R}^2 = 0.992 \quad DW = 2.55 \quad F = 464/68$$

همانطوری که ملاحظه می‌شود در رابطه (۲۴) اگر یک واحد افزایش در تولید ناخالص داخلی ایران به وجود آید، به افزایش ۰.۷۷٪ واحد مصرف خصوصی می‌انجامد و رابطه مصرف دوره قبل با مصرف جاری مثبت است و با افزایش یک واحد سرمایه گذاری مستقیم خارجی در سال جاری معادل ۰.۰۰۲۸ واحد، مصرف خصوصی در سال بعد افزایش می‌یابد. یعنی همزمان با افزایش یک

- عرضه سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران با سرمایه گذاری مستقیم خارجی دوره قبل (-۱) FDI در ایران رابطه‌ای معکوس دارد. به طوری که با یک درصد افزایش در سرمایه گذاری مستقیم خارجی در سال جاری معادل ۱/۰۵ درصد عرضه سرمایه گذاری مستقیم خارجی در سال بعد کاهش می‌یابد. یعنی موجودی سرمایه خارجی دوره قبل در ایران که سرمایه گذاری مستقیم خارجی دوره قبل را جایگزین برای آن در نظر گرفتیم، رابطه منفی با عرضه سرمایه گذاری مستقیم خارجی در دوره جاری دارد.

- عرضه سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران با نرخ تورم (inf) رابطه‌ای منفی دارد زیرا نرخ تورم در کشور میزبان نشان دهنده ناپایداری اقتصادی آن کشور می‌باشد و این امر در ایران در دوره مورد بررسی، تأیید شده است.

- نرخ بهره حقیقی در تابع عرضه سرمایه گذاری مستقیم دارای ضریب بی معنی بود، بنابراین از مدل حذف گردید. احتمالاً ثبات نسبی در روند نرخ بهره در دوره مورد بررسی یکی از دلایل وجود رابطه بی معنی نرخ بهره با FDI می‌باشد.

III

آثار سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران با توجه به مباحثی که در بخش اول راجع به آثار سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر مصرف،

ملاحظه می‌شود شرایط اقتصادی در ایران طی دوره ۵۴-۱۳۴۲ طوری بوده است که همزمان با افزایش یک میلیون ریال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال جاری متعاقب آن سرمایه‌گذاری داخلی معادل ۱۰ میلیون ریال افزایش یافته است.

۳- اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات ایران (X)

با استفاده از داده‌های حقیقی دوره ۵۴-۱۳۴۲ و روش OLS رابطه زیر تخمین زده شد:

$$I_1^X = 98/78 + 0/439GDP + 0/0347FDI \quad (-5) \\ (1/19) \quad (10/15) \quad (3/69) \\ -206/02 D \quad 53 \\ (-4/15)$$

$$R^2 = 0/99 \quad \bar{R}^2 = 0/979 \quad DW = 1/88 \quad F = 84/92$$

شرایط اقتصادی ایران طی دوره مورد بررسی طوری بوده است که همزمان با افزایش یک میلیون ریال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال جاری، متعاقب آن صادرات ایران بعد از گذشت پنج سال معادل ۳۴/۷ میلیون ریال افزایش یافته است که طولانی بودن فاصله زمانی برای تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات به دلیل مدتی است که برای دوره ساخت صنایع وجود

میلیون ریال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال جاری، متعاقب آن مصرف معادل ۲/۸ میلیون ریال در سال بعد افزایش یافته است.

۲- اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر سرمایه‌گذاری داخلی ایران (I₁)

همان طوری که در بخش اول بحث شد، انتظار می‌رود رابطه‌ای مثبت بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سرمایه‌گذاری داخلی در ایران وجود داشته باشد. تعریف رابطه سرمایه‌گذاری داخلی به صورت زیر است:

$$I = I_1 + FDI \quad (25)$$

که در آن:

I تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی؛
I₁ سرمایه‌گذاری داخلی؛

FDI سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌باشد. برای دوره مورد بررسی (۵۴-۱۳۴۲) تابع سرمایه‌گذاری داخلی به صورت زیر تخمین زده شده است:

$$I_1 = -46/28 + 0/156GDP + 0/1 FDI \quad (-2) \\ (-2/79) \quad (14/78) \quad (16/7) \\ R^2 = 0/988 \quad \bar{R}^2 = 0/986 \quad DW = 2/18 \quad F = 356/2$$

۱۴- صادرات کل کشور که شامل صادرات نفتی و غیر نفتی ایران می‌شود در تخمین استفاده شده است. زیرا رابطه FDI با صادرات نفتی، بی‌معنی بود و آمار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بخش‌های مختلف اقتصادی وجود نداشت و الزاماً از صادرات کل در تخمین استفاده شد. بنابراین در صورتی که آمار تفکیک شده FDI در بخش‌های مختلف اقتصادی به صورت سری زمانی وجود داشت، نتایج قابل اعتمادتر بودند.

برخی سرمایه گذاری های خارجی بر اساس سیاست جانشینی واردات در آن دوره انجام شده است.

IV

نتیجه گیری

در این بررسی پس از آشنایی با نظریاتی راجع به علل و آثار سرمایه گذاری مستقیم خارجی تابعی برای عرضه سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران برای دوره ۵۴-۱۳۴۲ تخمین زده شد. با توجه به اینکه در حال حاضر در دوران بازسازی اقتصادی کمبود سرمایه ارزی برای انجام پروژه های عمرانی یکی از مشکلات عمده در کشور می باشد و شرایط مناسب از نظر قوانین و مقررات زمینه را برای استفاده از سرمایه گذاران خارجی فراهم کرده است (۴) با استفاده از تابع عرضه تخمین زده، تا حدودی می توان عوامل مؤثر بر تصمیمات سرمایه گذاران خارجی را شناخت و با کنترل این متغیرها که عبارتند از شاخص دستمزد، نرخ تورم، نرخ ارز و میزان تولید کشور، مقدار مناسب سرمایه ای را که سرمایه گذاران خارجی مشتاق هستند از طریق سرمایه گذاری مستقیم خارجی وارد ایران نمایند تا حدودی تخمین زد و در برنامه ریزی های اقتصادی کشور از آن استفاده نمود.

همچنین سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر متغیرهای کلان اقتصادی از قبیل مصرف،

دارد. ولی اثر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر مصرف در زمان کوتاهی تأثیر خود را نشان داده است.

پس ملاحظه می شود سرمایه گذاری مستقیم خارجی رابطه ای مثبت با صادرات کشور میزبان دارد (همان طوری که در بخش اول مطرح شد)

۴- اثر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر واردات ایران. (M)

با توجه به نظریه مک دوگال مبنی بر اثر منفی سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر واردات که در بخش اول بدان اشاره شد؛ این نظریه را در دوره مورد بررسی (۵۴-۱۳۴۲) برای ایران آزمون کردیم و مدل زیر تخمین زده شد:

$$M = \frac{84}{9/28} GDP + \frac{0.075}{(11)} OIL + \frac{0.071}{(50/6)} FDI - \frac{472}{(-9/68)} D53 - \frac{0.0092}{(-38/13)}$$

$$R^2 = 0.999 \quad \bar{R}^2 = 0.999 \quad DW = 2/6 \quad F = 610.9$$

همان طوری که ملاحظه شد شرایط اقتصادی در ایران طی دوره ۵۴-۱۳۴۲ طوری بوده است که همزمان با افزایش یک میلیون ریال سرمایه گذاری مستقیم خارجی در سال جاری، متعاقب آن واردات ایران پس از گذشت پنج سال معادل ۹/۲ میلیون ریال کاهش داشته است و این امر نشان می دهد که

شوند از این بانک استفاده کنند تا اطلاعات مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی در کل کشور، اعم از مستقیم و غیرمستقیم در هر نوع فعالیت، در این بانک متمرکز شود و بدین ترتیب در سال‌های آینده آمار و اطلاعات لازم برای تحقیقات اقتصادی و اظهار نظر دقیق‌تر درباره استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی (مستقیم و غیرمستقیم) و میزان استفاده از آن مقدور شود.

۳- تقاضاهای سرمایه‌گذاری خارجی اعم از قبول‌شده و ردشده، به‌طور کلی در این بانک ثبت شود. زیرا اگر آماری از تعداد تقاضاها برای سرمایه‌گذاری خارجی و تعداد قبول و رد شده این تقاضاها توسط ارگان‌های ذیربط به‌صورت دقیق و سری زمانی (ماهانه، سالانه) وجود داشته باشد، با استفاده از نظریه پویا و اثرات بیرونی اطلاعات در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که توسط ویکهام^{۱۶} مطرح شده است و در مورد چین به کار رفته است (6)، می‌توان در مورد ایران نیز چنین بررسی را انجام داد. بنابراین جمع‌آوری آمار و اطلاعات مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی (اعم از مستقیم و غیرمستقیم) در یک بانک در کل کشور به‌صورت متمرکز ضرورت دارد و لازم است کلیه ارگان‌های مربوط در امر سرمایه‌گذاری خارجی و مؤسسات خصوصی که مجاز به استفاده از سرمایه خارجی می‌باشند، در این زمینه همکاری نمایند.

سرمایه‌گذاری داخلی و صادرات ایران اثری مثبت و بر واردات اثری منفی داشته است و این امر می‌تواند نشانه‌ای برای تأیید اقتصادی استفاده از سرمایه خارجی از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای اجرای طرح‌های عمرانی کشور در سال‌های آتی باشد. البته شایان ذکر است از بُعد (لحاظ) سیاسی و فرهنگی باید آثار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی توسط محققین مربوطه بررسی گردد اما از نظر اقتصادی با استفاده از این بررسی می‌توان در مجموع، پیشنهادهای زیر را مطرح کرد:

۱- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای تأمین سرمایه ارزی طرح‌های عمرانی کشور، یکی از راه‌های مناسب می‌باشد زیرا سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثری مثبت بر موازنه پرداخت‌های ایران در دوره مورد بررسی داشته است.

۲- مطلب مهم دیگر اینکه باید یک بانک برای ورود و خروج سرمایه خارجی و سودهای مربوطه و هرگونه نقل و انتقال پولی دیگر توسط سرمایه‌گذاران خارجی تأسیس شود یا یکی از بانک‌های موجود در کشور این وظیفه را انجام دهد و کلیه امور مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی اعم از مستقیم و غیرمستقیم از طریق این بانک صورت پذیرد و کارشناسی اقتصادی نیز در این بانک در مورد هر طرح پیشنهادی انجام گیرد و سازمان‌ها و ارگان‌های دیگری که طبق قانون مجاز به استفاده از سرمایه‌های خارجی هستند، طبق قانون مکلف

منابع و مأخذ

منابع انگلیسی

- 1- Bajo. R & Simon. S. *An Econometric Analysis of Foreign Direct Investment in Spain*, *Soutnen & Economic Journal*, VOL, 61, NO.1. JULY 1994. P. 104-120.
- 2- *International Financial Statistics*, Year Book IMF, 1993. P. 416-417.
- 3- Nafari.A., *U.S.Multinational Corporation in Mexician Manufacturing: A study of development and Balance of payment/Impact*, Indiana University 1979. P. 18
- 4- Sharestani, Hamid, *The Impact of U.S. Foreign Direct Investement on Canadian Economy*, University of Cincinnati, May, 1984.
- 5- Vernon. R, *International Investment and International Trade Product Cycle*, *Quarterly Journal of Economics* VOL, 80, 1966-P. 190-207.
- 6- Wickcham Peter, *Information Externalities Effecting the Dynamic Pattern of Foreign Direct Investment, the Case of CHINA*, IMF, Working Paper, 1994.

منابع فارسی

- ۱- دکتر نفری، اکبر، سرمایه گذاری مستقیم خارجی شرکت های چند ملیتی آمریکا (۱۹۹۰-۱۸۹۷) مجله اقتصاد و مدیریت، شماره ۱۸، پاییز ۱۳۷۲ صفحه ۷۷-۵۵.
- ۲- سرمایه گذاری مستقیم خارجی (گزارش تحقیقی شماره ۲۵)، شرکت سرمایه گذاری وابسته به سازمان صنایع ملی ایران، ۱۳۷۱.
- ۳- سازمان سرمایه گذاری های اقتصادی و فنی ایران، وزارت امور اقتصادی و دارایی.
- ۴- قانون و آیین نامه های اجرایی مناطق آزاد تجاری - صنعتی، دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد، ۱۳۷۳.